



دانشگاه تهران- پردیس هنرهای زیبا

پروژه درس انسان شناسی شهری

استاد: دکتر ناصر فکوهی-مهندس زهره دودانگه

دانشجو: محمدرضا نکویی

بررسی انسان شناختی تغییرات محله جلفای اصفهان: از ارمنی نشینی دیروز تا کافه نشینی امروز

طرح مسئله

بافت های تاریخی به عنوان بزرگ ترین و شاید مهم ترین میراث بر جای مانده از گذشتگان در قلب شهر های جدید و نو ظهور قرار گرفته اند. در کشور ما تعداد شهر های تاریخی و میراث تاریخی بافت آنها پر شمار هستند و هر کدام از نظر اصالت تاریخی و غنای ساختاری و کالبدی در درجه بندی مشخصی قرار می گیرند. آغاز دوران معاصر و تحمیل شدن شاخصه های زندگی مدرن بر بافت تاریخی باعث فرو پاشی و از هم گسیختگی بنیان های سنتی و اجتماعی ساکنین این بافت گردیده و آن را در مرحله ای از دگردیسی جهت انطباق با شرایط جدید قرار داده است. محله ای که این پژوهش در مورد آن صورت گرفته محله ای تاریخی در منطقه پنج شهرداری اصفهان است که پیشینه آن با فراز و فرود تاریخ ایران گره خورده است. احداث این محله توسط اقلیتی مهاجر و با دینی متفاوت از اکثریت ایرانیان و تحولات چهار سده گذشته تا به امروز این منطقه از شهر اصفهان را از جنبه های تاریخی، قومیتی، جامعه شناختی و ... در درجه ممتاز و منحصر به فردی قرار می دهد.

محله آرامنه جلفای اصفهان قدمتی چهارصد ساله دارد. از نخستین روزهای پیدایش آرامنه جلفا نقش موثری در رونق و توسعه جلفا داشته اند. توسعه شهرنشینی سبب گردیده است تا محله جلفا که شهرکی ارمنی نشین در بیرون از اصفهان بود در بافت معاصر شهر ادغام شود و تحت تاثیر این فرآیند دچار تغییرات فضایی در خود گردد. هویت ارمنی بافت جلفا و تاثیر طرح های

توسعه جدید شهری در چند دهه اخیر چهره این منطقه اقلیت نشین را به کلی دگرگون کرده است. سرمایه گذاری های جدید و بالا رفتن ارزش زمین در این منطقه ساکنین اصلی این محله را به فروش خانه های خود و مهاجرت به مناطق دیگر یا به خارج از کشور تشویق کرده است. این پژوهش در نظر دارد دلایل این تغییرات را از جنبه انسان شناختی و با تمرکز بر مفهوم فضایی در محله جلفا بررسی کند. تغییراتی که امروزه باعث تغییر هویت این بافت از محله ای با ساکنان ارمنی به محله ای با شناسنامه تفریحی - گردشگری با کافه های فراوان گردیده است. شناسایی این تغییرات و عوامل موثر بر آن اقدامی آگاه سازنده در جهت بر نامه ریزی های آتی خواهد بود

این پژوهش به دنبال تحلیل و بررسی تغییرات جلفا از منظری انسان شناختی - فضایی است و در پی بررسی محله موزد نظر با رویکردی کل گرا و دیدی از درون می باشد.

سوال تحقیق

تاثیرات طرح های توسعه شهری مدرن بر هویت محله جلفا چیست؟

روش تحقیق

این پژوهش با نگرش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. در تکمیل ادبیات موضوع از روش های مختلفی چون تحقیق تاریخی، بررسی متون و مطالعات کتابخانه ای بهره برده شده است. پژوهش نمونه موردی به صورت مطالعه میدانی در بافت تاریخی محله جلفای اصفهان صورت گرفته است.

ادبیات نظری تحقیق

محله در نظام شهرهای تاریخی ایران

در اکثر مطالعات و تحقیقات تاریخی عوامل اجتماعی، اقتصادی و به ویژه طبقات مختلف اجتماعی به طور عمده تعیین کننده مرز بندی محله های مسکونی بوده است. (اشرف، ۱۳۵۳) تا قبل از دوره پهلوی اول مفهوم محله به عنوان یکی از عناصر اصلی ساختار کالبدی، فضایی و اجتماعی شهرهای ایران استمرار یافته است. به لحاظ کالبدی با توجه به آنکه شهر های ایران هر یک تاریخ و هویت خاص خود را دارند محلات به صورت های متفاوتی شکل گرفته اند و نماد و نشانه ای برای شهر خود بوده اند. (حبیبی، ۱۳۸۰)

جایگاه محلات در ساختار کالبدی فضایی و اجتماعی

برای اینکه بتوان نقش و جایگاه محلات را در شهرهای تاریخی ایران بررسی کرد باید همزمان به فضای اجتماعی - فرهنگی و فضای کالبدی توجه نمود و تاثیرات متقابل و ارتباط تنگاتنگ مفهومی آنها با یکدیگر را شناخت. فضای کالبدی محلات و

شکل گیری آن تحت عوامل مختلف از جمله ویژگی های فرهنگی مردم ساکن ، ویژگی های اجتماعی (نیازهای مردم و الگوهای رفتاری) و وضعیت اقتصادی ساکنین محله و همچنین عوامل طبیعی و اقلیمی قرار می گیرد. نحوه شکل گیری و نوع خدمات شهری در هر محله نیز تحت تاثیر عوامل مذکور قرار داشته است (ثقه الاسلامی، امین زاده، ۱۳۹۲). مراکز محلات نقاط کانونی ، اجتماعی و عمومی ترین عرصه محلی و محل برخورد و تجمع هم محله ای ها محسوب می شد. این گونه مراکز عموماً به صورت میدانی با اشکال هندسی منظم و غیر منظم بوده و بازارچه محل ، حمام ، مسجد ، آب انبار و سایر اماکن مذهبی ، مدرسه و فضاهای خدماتی در اطراف آن مستقر می شد. مرکز محله گاه خطی بود و بخشی از گذر اصلی محله محسوب می شد. وجود تنوع عاملی است که سبب غنای هویت شهر می شود. شهرهای امروزی ترکیبی از خرده فرهنگ های شهری هستند. برای افزایش غنای فرهنگی شهر و افزایش ارتباطات ، هر یک از گروه های قومی و خرده فرهنگ های شهری نیاز دارد که قلمرو خاص خود را داشته و شیوه زندگی خویش را دنبال نماید. یک محله خوب باید توانی میان خواست ساکنین برای خلوت مورد نیاز ایشان ، برای برقراری درجاتی از برخورد ها و یاری خواستن ها و مشارکت برقرار نماید (حبیب.ف. ۱۳۸۶)

مفهوم هویت کالبدی در محله

هویت کالبدی به معنای صفت ها و ویژگی هایی است که جسم شهر را از غیر آن متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می کند. این صفت ها باید به گونه ای باشد که جسم شهر در این تداوم زمانی در حال تحول و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود. در واقع سه شرط کالبد شهر را دارای هویت می کنند. اول تمایز آن از غیر و تشابه آن با خودی دوم: حفظ تداوم در عین تحول و سوم: حفظ وحدت در عین کثرت. از میان این سه معیار تمایز از غیر و تشابه با خودی از همه مهمتر بوده و اصل زیر بنایی محسوب می شود. دو معیار بعدی اجزا و زیر مجموعه آن محسوب شده و تابع هستند. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاح های شخصیت و حس مکان نیز مترادف است. (میرمقتدایی، ۱۳۸۳)

مفهوم طرد و حاشیه ای شدن اجتماعی-گتویی شدن

مفهوم طرد تنها در شرایطی معنی دارد که یک کالبد همبسته وجود داشته باشد. نظریه های دورکیمی درباره لزوم همبستگی اجتماعی برای تداوم جامعه و گریز از آنومی در اینجا بسیار گویا هستند. طرد در واقع حاصل عدم انطباق کامل میان ذهنیت اجتماعی از یک سو و همبستگی از سوی دیگر است که خود به دلیل دینامیک بودن هر جامعه انسانی به وجود می آید. بنا بر این تغییر اجتماعی در خود دارای پتانسیل قدرتمند در ایجاد آنومی است که تبلور بیرونی آن می تواند شکل طرد اجتماعی را داشته باشد. و تبلور فضایی این طرد به خصوص در اشکال جدید شهرنشینی می تواند به صورت پدیده حاشیه نشینی بروز کند.

گتوها که در قرون وسطی حاصل طرد اجتماعی ناشی از نفرت نژادی و دینی و علیه یهودیان بودند در شکل جدید خود در قالب گتوهای فقرا که گاه شکل نژادی نیز داشتند بار دیگر پدیدار شدند. در این گونه از شکل زیست ما دائماً با چرخه های قهقرایی رو برو هستیم که فقر و حاشیه ای شدن یکدیگر را تقویت می کنند. (فکوهی، پارسا پزوه، ۱۳۸۳)

تاریخچه محله و آرامنه جلفا

در سال ۱۰۱۲ هجری شاه عباس اول تعدادی از ساکنان ارمنستان را به ایران کوچاند و بخش عمده ای از آنان را در اصفهان و فریدن و چهار محال اسکان داد. حدود ۳ هزار خانوار ارمنی در کنار زاینده رود جای داده شدند و محله جلفا را به یادگارزادگاه خویش بنا نمودند. آرامنه بتدریج در محل سکونت جدید خود کلیساها و خانه های زیبایی ساختند و نقشه بنای محله را به شیوه زیبایی معماری و مهندسی طرح کردند.

جلفا در پنج مرحله بر اثر مهاجرت و جابه جایی آرامنه گسترش یافت:

- (۱) سالهای ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۵ میلادی با مهاجرت اهالی جلفای ارس به دستور شاه عباس یکم
- (۲) بین سالهای ۱۶۲۰ تا ۱۶۵۵ میلادی بر اثر ازدیاد جمعیت به صورت تدریجی گسترش یافت
- (۳) سالهای ۱۶۳۰ تا ۱۶۴۰ که به دلیل مهاجرت ۲۰۰ خانوار سنگتراش توسعه یافت
- (۴) بین سالهای ۱۶۵۵ تا ۱۶۵۶ که در پی رانده شدن ۱۲ هزار ارمنی ساکن در بخش شمالی زاینده رود در زمان شاه عباس بالاترین حد گسترش خود را تجربه کرد.
- (۵) در سالهای ۱۶۷۰ میلادی گروهی از آرامنه ساکن از به جلفا آمدند و در محله ایروانی ها ساکن شدند. (اصانلو، ۱۳۹۰)

وضعیت اجتماعی آرامنه در دوره های مختلف دچار تحولات گوناگونی شده که در ۴ دوره پس از عصر صفوی این تحولات پدیدار گشتند.

- در زمان نادر شاه به سال ۱۷۲۸ که به دلیل بدگوئیهایی که نزد نادر شاه از آرامنه کرده بودند بسیاری از آرامنه بدلیل وضعیت رقت بار آن دوره به کشورهای بیگانه مهاجرت کردند و تا زمان قاجاریه باز نگشتند.
- در دوره قاجاریه که دول بزرگ غربی نفوذ قابل توجهی در ایران پیدا کردند اوضاع آرامنه بهتر شد بطوریکه جمعیت مهاجر تا حدودی باز گشتند.
- دوره پهلوی که به دلیل گسترش شهر اصفهان و ازدیاد جمعیت گروهی از مسلمانان در محلات اختصاصی ساکن شدند و آرامنه که طی سده ها از ایرانیان جدا بودند فرصتی پیدا کردند تا خود را بیشتر با فرهنگ همنا سازند. جمعیت آرامنه که در آستانه انقلاب مشروطیت ۱۲۸۶ نفر بود در سال ۱۳۵۳ به ۶۰۰۰ نفر رسید. اختصاص یک زبان و ادبیات آرامنه در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در دهه ۴۰ خورشیدی از اقداماتی بود که منجر به پویایی بیشتر جامعه آرامنه شد.
- پس از استقرار جمهوری اسلامی جمعیت مسیحی شهر اصفهان به دلیل مهاجرت به امریکا و کانادا به طور چشمگیری کاهش یافت بطوریکه جمعیت ۱۶۷۸ نفری آبان سال ۱۳۵۵ به ۵۸۳۸ نفر در آبان ۱۳۷۵ رسید
- تغییرات گسترده بافت در طول دو دهه اخیر و کاهش بیش از پیش تعداد آرامنه. (اصانلو، ۱۳۹۰)

هویت کالبدی در محله جلفا

محله جلفای اصفهان به دلیل سکونت ارمنی های مسیحی و دارا بودن عنصرهای معماری خاص یکی از یگانه ترین فضاهای شهری محسوب می شود. علاوه بر ساختار کالبدی که می تواند در افزایش حس تعلق و حس مکان ساکنان محل تاثیر گذار

باشد شرایط اجتماعی و فعالیت های موجود در محیط خاطره های جمعی و رویداد های خاطره انگیز است که در بالا بردن میزان حس تعلق موثر است.

با ورود به محله جلفا فرد تیز بین به سرعت قادر به درک و تشخیص تفاوت بین این محله و سایر محله های شهر خواهد بود. این تفاوت به شکل های گوناگونی به بیننده نمایانده می شود. به عنوان مثال وجود گنبدها و برج های ناقوس کلیساها که به دلیل ارتفاع بیشتر نسبت به ساختمان های اطراف به طور کامل قابل دید هستند. مهم ترین تفاوت دیداری این منطقه را تشکیل می دهند. به صدا در آمدن ناقوس کلیساها یا گفتگوی افراد به زبان ارمنی یا صدای تمرین آوازی که از مدرسه های موسیقی به گوش می رسد تجربه ای متفاوت از صداهای موجود در فضای شهری به دست می دهد. حتی حس بویایی هم قادر به درک این تفاوت است چرا که با عبور از کوچه های شهر بوی قهوه و گاتا - شیرینی مخصوص ارمنه- در فاصله های مختلف از مغازه ها و خانه ها به مشام می رسد.

از آنجا که این منطقه از آغاز پیدایش برای استقرار ارمنی ها پیش بینی شده و تکامل یافته است. این امر باعث گردیده عناصر کالبدی عمومی و نمادها و نشانه های فرهنگی از جمله کلیساها و عناصر غیر کالبدی همچون آداب و رسوم ، دین و زبان و ... عوامل وحدت بخشی به حساب آیند که ساکنان ارمنی نسبت به این منطقه حس مالکیت و تعلق داشته باشند. به این ترتیب ساکنان محله ایجاد شده است و حس تعلق خاطر به یک مرکز اصلی و مرکزهای فرعی تقویت می گردد. حس تعلق خاطر جمعی به مرکز اصلی سبب یکپارچگی اجتماع شده و مفهوم محله ما شکل می گیرد.

بررسی تاثیرات توسعه شهری مدرن بر بافت جلفا:

۱- تغییرات در شبکه معابر

در اغلب شهرهای تاریخی ایران سازمان فضایی شهرها بر پیوند میان مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی و میدان ها استوار بوده است. این پیوند محله و شهر تابع سلسله مراتبی بوده است. (توسلی، ۱۳۷۶)

سعید نیا در این باره می نویسد:

سلسله مراتب به سه صورت ، سلسله مراتب دسترسی ، عملکردی و فضایی وجود داشته است. سلسله مراتب دسترسی محله را از تردد های عبوری در امان نگه می داشت و ویژگی آرام بخشی آن را برای ساکنین محله ملموس و محفوظ می نمود. سلسله مراتب عملکردی یعنی استقرار خدمات و عملکردهای عمومی در مراکز محلات پاسخ گوی مناسبی به نیاز های ساکنین بود و سلسله مراتب فضای عمومی به خصوصی به حریمیت و قلمروهای هریک از فضاها پاسخ می داد. (سعیدنیا، ۱۳۶۸)

تاریخچه طرح های جامع توسعه شهری اصفهان در دوران معاصر عبارتند از:

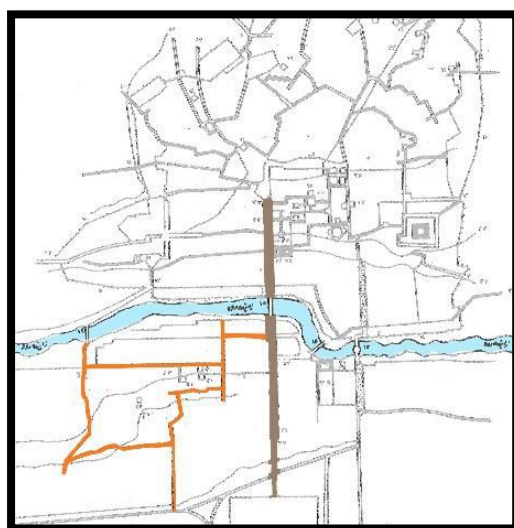
۱- ۱۳۳۷: اولین طرح توسعه شهر اصفهان

۲- ۱۳۵۰: اولین طرح جامع

۳- ۱۳۶۷: دومین طرح جامع

۴-۱۳۸۳: بازنگری طرح تفصیلی - مرحله اول - (تاریخچه طرح های توسعه شهری اصفهان)

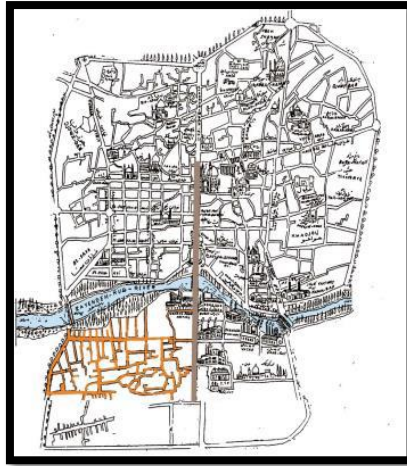
این طرح ها که با الگو برداری غربی و بدون توجه به زمینه و محتوای بافت های تاریخی تهیه گردیده اند در ایجاد روند تغییرات فضایی و تنزل کیفیت های فیزیکی و اجتماعی بافت تاریخی جلفا اثر گذار بوده اند مابین سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ شالوده اصلی خیابان کشی های اصفهان گذاشته شد. در این سالها خیابان چهارباغ پایین ، هاتف ، حافظ و حکیم نظامی و ده ها خیابان دیگر در شهر احداث شدند. (شفقی، ۱۳۸۱)



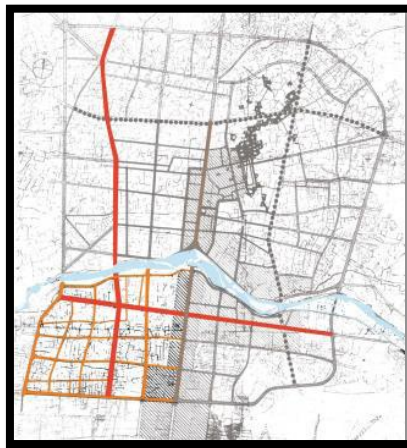
دوران صفویه و پیدایش جلفا

در بررسی روند اثرات این طرح ها بر بافت کالبدی جلفا سه دوره زمانی تعیین گردیده است. سپس به مقایسه میزان تغییرات کالبدی رخ داده در هر دوره با روش مقایسه تطبیقی نقشه های هر دوران پرداخته شده است. این سه دوره عبارتند از:

- ۱- قبل از دوران معاصر (۱۳۰۰)
- ۲- قبل از اولین طرح توسعه شهری اصفهان (۱۳۰۰ تا ۱۳۳۷)
- ۳- بعد از ۱۳۳۷ و اجرای اولین طرح توسعه شهری اصفهان تا کنون



دوران معاصر و قبل از اولین طرح توسعه شهری



بعد از ۱۳۵۵ و اولین طرح جامع اصفهان (نقشه ها: احمد رضاشیروانی)

مقایسه نقشه های معابر در دوران مختلف مبین این نکته است که تحت تاثیر طرح های جامع شهری شرایط ورود خودرو در داخل بافت تاریخی جلفا تسهیل گردیده است.

انطباق طرح شبکه شطرنجی معابر بر روی بافت تاریخی جلفا با احداث خیابان های سواره محور-مانند حکیم نظامی، توحید و مهرداد- در تکه تکه کردن بافت و ایجاد گسست فضایی اثر گذار بوده اند. این اقدام در تضاد با اصل سلسله مراتب دسترسی در محلات تاریخی ایرانی بوده است. طرح های توسعه شهری اصفهان در دوران معاصر که بدون توجه به ارزش های فرهنگی بافت های تاریختدوین شده اند. تنها به گسست فضایی و ایجاد تغییر در فرم کالبدی محله منتج نگردیده اند. بلکه به واسطه این طرح ها مرزهای تاریخی جلفای اصفهان دچار آسیب گردیده اند و هویت اجتماعی این ناحیه به واسطه مهاجرت هایی از درون به بیرون و از بیرون به درون دچار بحران گردیده است.

۲- تخریب و نوسازی های ناهماهنگ با بافت تاریخی

در دوران معاصر بافت تاریخی محله جلفا تحت تاثیر توسعه شهر و مدرنیسم دستخوش مشکلات عدیده ای شده است. در واقع عدم توجه به طراحی و برنامه ریزی شهری زمینه گرا، نادیده گرفتن ارزش های کالبدی و غیر کالبدی موجود در بافت و اجرای طرح های شتابزده منجر به کم رنگ شدن ارزش های تاریخی آن گردیده است. خلیلی (۱۳۸۲) می نویسد اگر در محله سنگتراش ها که یکی از محله های بسیار قدیمی منطقه جلفاست و زمان ساخت آن به دوره صفویه می رسد قدم زنان به سمت محله تبریزی ها پیش بروید در کنار سردر خانه های خشتی و گلی و کلیساهای قدیمی خانه های نوساز نا همگون را می بینید که شیشه های رفلکس سبز رنگ و سنگ های مرمرین آنها هویت تاریخی جلفا را به چالش می کشد. (خلیلی، ۱۳۸۲)



نوسازی ناهماهنگ و بلند مرتبه سازی در بافت جلفا مسبب ایجاد تغییرات فضایی است. (نگارنده)

چند مدیریتی بودن بافت تاریخی جلفا از عمده مشکلات پیاده سازی طرح های حفاظت در آن بوده است. به علاوه عدم توانایی سازمان میراث فرهنگی در تامین بودجه مرمت خانه های تاریخی به ثبت رسیده، عدم خریداری یا تغییر کاربری این املاک توسط سازمان های دولتی و ارزش گذاری آنها با قیمتی بسیار پایین تر از دیگر املاک موجود در بافت سبب پیدایش فرآیند تخریب املاک توسط مالکان گردیده است.

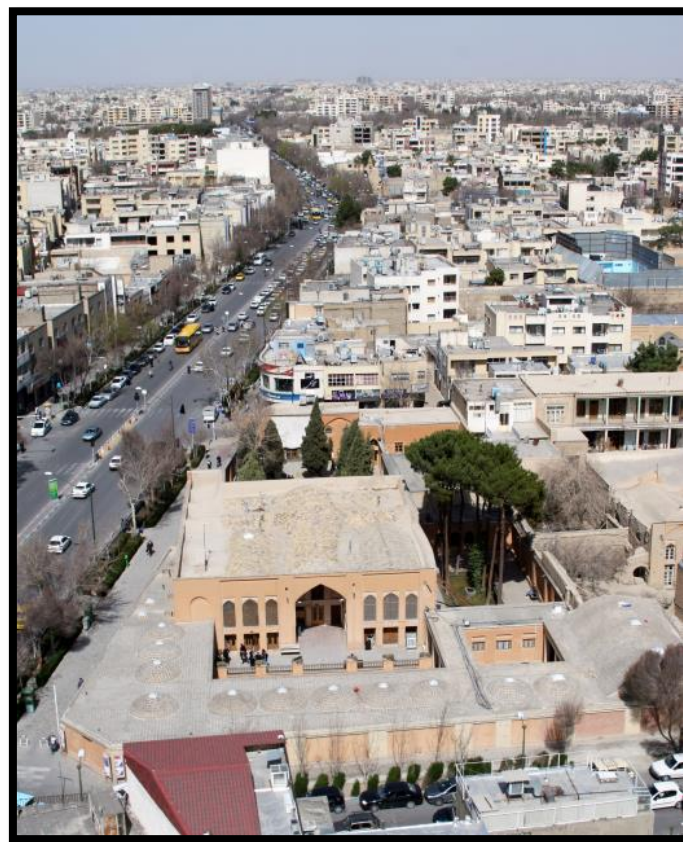
۳- استقرار مسلمانان در جلفا و اقلیت شدن ارامنه - طرد و حاشیه ای شدن تدریجی

جمعیت ارامنه

در گذشته عوامل مختلفی باعث ایجاد ارتباط، اتحاد و همبستگی اجتماعی در محلات می شده است. مانند دین و مذهب (محله مسلمان ها، محله یهودی ها و محله ارامنه) به این ترتیب ترکیب اجتماعی ساکنان بسیاری از محله ها از گروه ها و قشرهایی همانند و منسجم تشکیل یافته بود.

با از بین رفتن قلمرو محله جلفا ساختار اجتماعی در هم آمیخته ای پدید آمده است که آن را در تضاد با بنیان مذهبی و قومی خود قرار داده است. به واسطه این تغییر موجی از جمعیت جدید شهر که اغلب مسلمانان هستند در این مکان استقرار یافته و جلفا را از محله ای صرفاً ارمنی نشین خارج ساخته اند. مسلمانان پس از استقرار در جلفا به احداث مساجد و مراکز مذهبی در محله ارمنی نشین مبادرت نموده اند. این امر در تقلیل حس تعلق و تغییر ساختار اجتماعی بافت تاریخی اثر گذار بوده است. این عدم توجه از سوی برنامه ریزان شهری زمینه ای را برای مهاجرت ارمنه جلفا به خارج از ایران فراهم ساخته است که در کاهش جمعیت ارمنه ، تضعیف جایگاه اجتماعی آنان و ایجاد تغییر در ساختار اجتماعی جلفا اثر گذار بوده است.

اصانلو (۱۳۸۹) در این باره می نویسد: پس از پیروزی انقلاب اسلامی جمعیت مسیحی شهر اصفهان به دلیل مهاجرت به آمریکا و کانادا به طور چشمگیری کاهش یافت. به طوری که جمعیت ۶۷۸۰ نفری آبان سال ۱۳۵۵ به ۵۸۳۸ نفر در آبان ۱۳۷۵ رسید.



عبور خیابان جکیم نظامی از داخل بافت تاریخی جلفا

سبب گسسته شدن بافت و از بین رفتن مرزهای تاریخی

آن گردیده است. (نگارنده)

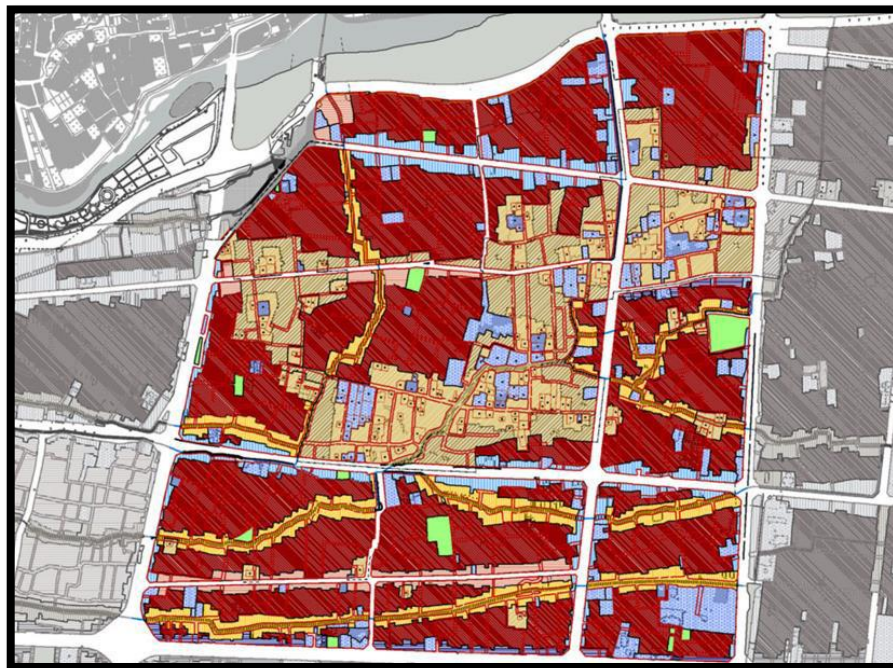
۴- افزایش قیمت زمین و روند تغییر فرم از محوطه تاریخی به قطب تجاری

ترقی اقتصادی زمین در محدوده جلفا به تهدیدی بسیار جدی در ساختار فضایی آن تبدیل گردیده است. مالکان و صاحبان خانه های قدیمی که دارای خانه هایی با مترآبلا هستند با تخریب خانه های خود و بلند مرتبه سازی و یا تبدیل واحدهای مرغوب مسکونی به واحدهای تجاری سعی در ایجاد موقعیت مناسب اقتصادی برای خود هستند. این در حالی است که نظام مدیریت بافت تاریخی در تامین هزینه های کامل مرمت و نگه داری و یا اعطای کاربری دولتی ، خدماتی و فرهنگی به خانه های تاریخی ناتوان بوده است.

شبکه معابر احداث شده سبب گسست فضایی و محو شدن مرزهای تاریخی جلفا ش و. امروزه با بلند مرتبه سازی برای اهداف تجاری در کنار محور خود روبرو شده است. شکل زیر نشان می دهد که چگونه افزایش قیمت زمین در این ناحیه سبب بلند مرتبه سازی های مسکونی در بافت تاریخی و تجاری سازی در محور گذر ها گردیده است.

احداث چندین مجتمع تجاری با شیوه ای مدرن به همراه بلند مرتبه سازی های مسکونی سبب تغییر چهره جلفا از بافتی تاریخی-فرهنگی به قطبی تجاری-اقتصادی گردیده اند.

از یک سو سودجویی اقتصادی سرمایه داران و ناتوانی مالکان در تامین هزینه های حفظ و نگه داری زمینه تغییرات فضایی ناهماهنگ با اافت را شدت بخشیده است . از سوی دیگر این تغییرات فضایی سبب تضعیف کانون های اجتماعی آرامنه و تبدیل جلفا از محله ای ارمنی نشین به محله ای مسلمان ارمنی نشین گردیده است.



یک طبقه دو طبقه چهار طبقه پنج طبقه

نقشه ارتفاعات ابنیه در محله تاریخی جلفا (مشاورین نقش جهان پارس)

یافته های تحقیق (جمع بندی):

سیر تحول منطقه جلفا و متغیرها و عوامل دخیل در تغییر هویت بافت به صورت نیمه میسوپ بیان شد در این بخش به صورت تیتروار عوامل پیدایش منطقه و سیر تغییر آن را بیان می کنیم و پس از آن نتیجه گیری و پیش بینی پژوهش بیان می شود. به صورت خلاصه می توان سیر تحوّل بافت جلفا را این گونه بیان کرد:

- ۱- مهاجرت آرامنه و استقرار آنها در قسمت جنوب شهر اصفهان
- ۲- احداث شهرک جلفای نو به یاد محله جلفای آرامنه در ارمنستان
- ۳- گسترش جلفا و کمک شاه عباس به آرامنه با واگذاری زمین های پادشاهی
- ۴- رونق بازرگانی آرامنه
- ۵- کم توجهی شاهان صفوی پس از شاه عباس به آرامنه و رو به زوال نهادن جلفا
- ۶- حمله افغان ها و وارد شدن صدمات فراوان به جلفا و آرامنه- مهاجرت معکوس عده ای از آرامنه
- ۷- بهبود نسبی اوضاع مردم و محله در دوره افشاریه و زندیه
- ۸- رکود نسبی شرایط در دوره قاجار
- ۹- توجه بیش از پیش دولت به بافت تاریخی در دوره پهلوی و به ویژه پهلوی دوم
- ۱۰- خیابان کشی های جدید در بافت و آغاز تحول یافت از سنتی به شکلی جدید
- ۱۱- وقوع انقلاب و جنگ و مهاجرت گسترده آرامنه
- ۱۲- تحول هویتی بافت تاریخی جلفا از محوری فرهنگی به گردشگری-افزایش قیمت زمین
- ۱۳- گتو نشینی آرامنه در جلفا در حال حاضر- طرد اجتماعی اقلیت پرسابقه

نتیجه و ارائه راهکار:

تا قبل از دوران معاصر محله های شهری ایران دارای محدوده مشخص، ترکیب اجتماعی متجانس و هویت مدار و به لحاظ اقتصادی دارای خودکفایی نسبی بوده است. امروزه به واسطه طرح های جامع توسعه شهر و عدم برنامه ریزی زمینه گرا، ساختار فضایی این محلات دچار تغییر گردیده است و آنان را در روند افول ارزش های تاریخی و فرهنگی خود قرار داده است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل موثر در پیدایش تغییرات فضایی در محله تاریخی آرامنه اصفهان صورت پذیرفت. نتایج این پژوهش نشان می دهد که طرح های جامع توسعه شهر که از طرح های شهری دوران مدرنیسم نمونه

برداری شده اند. به واسطه عدم شناخت زمینه و ساختار محلات تاریخی سبب ایجاد گسست فضایی در جلفا گردیده اند. این عامل به همراه نبود مدیریت یک پارچه در نظارت بر ساخت و سازهای درون بافت تاریخی و حفاظت از آن و عدم توجه برنامه ریزان شهری در تقویت و بازآفرینی جایگاه اجتماعی آرامنه در جلفا از دیگر عوامل موثر در پیدایش این روند رو به افول بوده اند. امروزه افزایش بی سابقه قیمت زمین در جلفا این روند را شدت بخشیده است. این روند سبب تغییر فرم فضایی جلفا از منظر تاریخی-فرهنگی به قطبی تجاری-اقتصادی گردیده است. متوقف نمودن روند رو به افول در بافت تاریخی جلفا نیازمند تدوین طرح حفاظت و مشخص نمودن متولی اجرای آن است.

با توجه به مطالب بیان شده و تاریخچه محله جلفا و با در نظر داشتن متغیرهای گوناگون دخیل در این تغییر هویتی بافت منطقه از طرح های توسعه شهری ناهماهنگ تا سودجویی سرمایه داران که نتیجه آن مهاجرت گسترده آرامنه و ورود مسلمانان به جلفا گردیده است اندیشیدن در مورد راه حل مناسب جهت تغییر مسیر این جریان به شکلی معقول ضروری به نظر می رسد.

در راستای ارتقای هر چه بیشتر کیفیت فضای شهری و هویت محله ای جلفا راهکارهای زیر قابل تامل است:

-حفظ و تقویت پاتوق ها

- حفظ خط و زبان و فرهنگ ارمنی

-سازماندهی کاربری های اوقات فراغت (اغذیه فروشی ها)

- ایجاد تباين فضایی در طول محورها

-تقویت فعالیت های گوناگون ولی مکمل یا سازگار در محورها

-اعمال ضوابط مشخص ساخت و ساز در جلفا و نظارت بر تغییرات هویت کالبدی محله

-رسیدگی و تقویت هر چه بیشتر مادیهای موجود در محله در راستای ارتقای کیفیت زیست محیطی محله و ایجاد لبه های طبیعی محله ای.

رویکرد انسان شناختی به موضوع دو امر را دنبال می کند: یکی آنکه ساز و کار های طرد اجتماعی آرامنه و شکل گیری هویت های جدید را در این منطقه به دست آورد تا امکان استفاده کاربردی از آنها فراهم شود. و دوم این که راه حلی عملی برای بهبود وضعیت آرامنه فعلی ارائه دهد و حتی امکان بازگشت آرامنه مهاجرت کرده فراهم باشد.

راه حل اساسی که جهت حفظ تعادل جمعیتی آرامنه در جلفا می توان پیشنهاد کرد طراحی مسکن های اجتماعی در بافت جلفا با توجه زمینه تاریخی-ارمنی آن است و اختصاص دادن واحدهای مشخصی از آنها جهت اسکان خانوارهای ارمنی در صدد مهاجرت یا خواهان بازگشت به جلفا.

منابع تحقیق:

- اشرف، ا. (۱۳۵۳) ویژگی های شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم انسانی
- اصانلو، حسن (۱۳۹۰)، مرمت شهری و باززنده سازی کانون های اجتماعی و آسیب شناسی در بافت تاریخی محله جلفای اصفهان، نشریه هویت شهر
- خلیلی، و. (۱۳۹۴)، نصف جهان را متری یک میلیون تومان می فروشند، پایگاه اینترنتی خبرگزاری میراث فرهنگی
- توسلی، محمود (۱۳۷۶)، اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- تاریخچه طرح های توسعه شهری اصفهان، پایگاه اینترنتی اصفهان
- ثقه الاسلامی، ع. امین زاده، ب. (۱۳۹۲) بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی، هویت شهر
- شفقی، س. (۱۳۸۱) جغرافیای شهری اصفهان، دانشگاه اصفهان،
- حائری، محمدرضا (۱۳۶۸)، طراحی از کالبد شهر ایرانی، بررسی گونه شناسانه بافت شهری در قرن چهاردهم هجری، خلاصه مقالات
- حبیبی، س. م. (۱۳۸۰)، از شار تا شهر، دانشگاه تهران
- فرجامی، محمدرضا (۱۳۸۳)، ابعاد هویت شهری، جلد اول، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی، ساخت کالبدی شهر
- فکوهی، ناصر، پارسا پزوه، سپیده، (۱۳۸۳) بررسی انسان شناختی محله آلونک نشین علی آباد مهران در شهر تهران.
- کازرونی، شهرزاد (۱۳۶۹)، گزارش بررسی تحول تاریخی جلفای اصفهان، دانشکده پردیس اصفهان
- میر مقتدایی، مهتاب (۱۳۸۳)، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهر ها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰
- مهندسین مشاور نقش جهان پارس، بازنگری طرح تفصیلی منطقه پنج اصفهان، ۱۳۸۵